

تاثیر انتخاب موسسات رتبه الف حسابرسی بر مدیریت سود و ارزش روز سهام شرکت

سیدحسین افضل‌نیا

کارشناسی ارشد مدیریت دولتی - مالی، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران (نویسنده مسئول)
Hassan.afzalnia@yahoo.com

چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره دوم)
شماره ۱۸ / زمستان ۱۳۹۸ (جلد سوم) / صص ۱۶۴-۱۷۶

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تاثیر انتخاب موسسات رتبه الف حسابرسی بر مدیریت سود و ارزش روز سهام شرکت می‌پردازد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی بوده و از بعد روش‌شناسی همبستگی از نوع تحقیقات علی (پس رویدادی) می‌باشد. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بود که به روش حذف سیستماتیک تعداد ۱۲۱ شرکت به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب‌شده و در دوره‌ی زمانی ۷ ساله بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ مورد تحقیق قرار گرفتند. برای اندازه‌گیری متغیر مدیریت سود از مدل جونز تعدیل شده استفاده گردید. روش مورد استفاده جهت جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده و برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. برای اجرای آزمونها و تخمین نهایی مدل‌ها از نرم افزار استاتا نسخه ۱۵ استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که انتخاب موسسات رتبه الف حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی تاثیر منفی و معنادار دارد. یعنی در شرکت‌هایی که حسابرسی آنها توسط موسسات رتبه برتر انجام می‌شود مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی کاهش می‌یابد. ولی انتخاب موسسات رتبه الف حسابرسی بر ارزش روز سهام شرکت تاثیر ندارد.

واژگان کلیدی: مدیریت سود، ارزش روز سهام شرکت، رتبه بندی موسسات حسابرسی

مقدمه

رویکرد اطلاعاتی مدیریت سود بیان می‌دارد که انتخاب‌های حسابداری برای آشکارسازی انتظارات مدیریت درباره عملکرد آتی شرکت بکار می‌رود. مطالعات قبلی نشان داده است که ارقام تعهدی، اطلاعات داخلی مدیریت را آشکار می‌سازد (آریا، گلور و ساندر^۱، ۲۰۰۳. لویز و رابینسون^۲، ۲۰۰۸). به‌عنوان مثال، در مورد شرکت‌هایی که تحت شرایط عدم اطمینان عملیاتی زیاد فعالیت می‌کنند، منطقی است که انتظار داشته باشیم مدیران آنها از ارقام تعهدی به‌منظور کاهش نوسان سود استفاده نمایند تا اطلاعات داخلی خود را درباره عملکرد شرکت طی یک دوره منتقل سازند. در حقیقت مدیران ممکن است سودها را برای انتقال علامتی از ثبات سودآوری به سرمایه‌گذاران هموار سازند. قوش و اولسن^۳ (۲۰۰۹) در مطالعه خود نشان دادند که مدیران به هنگام فعالیت شرکت در یک محیط با عدم اطمینان بالا از ارقام

¹ Arya & Glover & Sunder

² Louis & Robinson

³ Ghosh & Olsen

تعهدی برای کاهش نوسان در سود گزارش شده استفاده می‌نمایند. مدیریت سود را می‌توان روشی برای اطلاع رسانی وضعیت مالی شرکت‌ها به سهامداران دانست که از طریق دخالت مدیریت در فرآیند تعیین سود به انجام می‌رسد. مدیریت سود از این جهت که می‌تواند در تهیه گزارش از عملکرد شرکت اعمال نفوذ کند و نتایج مورد نظر خود را منعکس کند، مورد توجه قرار گرفته است (بلکویی، ۱۳۸۱).

ارزش بازار کلیه سهام‌های منتشر شده معرف ارزش جاری شرکت است. نتایج تحقیقاتی همچون روزنبرگ و همکاران (۱۹۸۳) و فاما و همکاران (۱۹۹۲)، نقش مهم نسبت ارزش روز سهام را تأیید نمودند.

کیفیت حسابرس یا حسابرسی به طور ذاتی غیر قابل مشاهده است. دی آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است که ارزیابی کیفیت حسابرس مشکل و هزینه بر است. برای همین دی آنجلو (۱۹۸۱) اندازه حسابرس را به عنوان یک نماینده ای از کیفیت حسابرس معرفی می‌کند. دی آنجلو بر نقش استقلال حسابرس تأکید می‌کند و معتقد است که حسابرسان بزرگ به دلیل شهرت بالا و تعداد مشتریان زیاد به احتمال بیشتری استقلال خود را حفظ می‌کنند. براساس دیدگاه دی آنجلو تحقیقات زیادی اندازه حسابرس را بعنوان نماینده ای از کیفیت حسابرس مورد مطالعه قرار داده اند (دالتون و دیگران، ۲۰۱۶). لازم بذکر است که اکثر این پژوهش‌ها نشان داده اند که هشت، شش، پنج و چهار حسابرس بزرگ کیفیت بالاتری نسبت به سایر حسابرسان دارند (واعظ و احمدی، ۱۳۹۳). از طرف دیگر هنوز برای صاحبکاران مشخص نیست که کدام حسابرس، متخصص کدام صنعت هست. هر چند اخیراً پژوهش‌هایی اثر حسابرس متخصص صنعت بر کیفیت گزارشگری مالی در ایران را بررسی کرده اند. هنوز اطمینان خاطر وجود ندارد که آیا حسابرسان ایرانی می‌توانند در صنعتی متخصص شوند، زمانیکه تقاضای مناسبی برای حسابرس با کیفیت در کشور وجود ندارد (کاهکش و جهانبخش، ۱۳۹۵). در چنین شرایطی، موضوع رتبه بندی موسسات حسابرسی در ایران مطرح شد. براین اساس، سازمان بورس و اوراق بهادار در سال ۱۳۹۲ برای اولین بار موسسات معتمد بورس را به چهار طبقه "اول"، "دوم"، "سوم" و "چهارم" دسته بندی کرد. طبق این رتبه بندی موسسات گروه "اول" به احتمال زیاد باید کیفیت حسابرسی بالاتری نسبت حسابرسان معتمد سایر گروه‌ها داشته باشند. بنابراین حسابرسی صاحبکاران بزرگ به موسسات حسابرسی معتمد گروه "اول" محول شده است (واعظ و دیگران، ۱۳۹۳). در واقع می‌توان گفت که در نبود هیچ معیاری برای کیفیت حسابرس در ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار رتبه بندی را معیاری برای تمایز کیفیت حسابرسان در کشور مطرح کرده است. اما اینکه واقعا موسسات حسابرسی معتمد گروه "اول" کیفیت حسابرسی بالاتری نسبت به موسسات حسابرسی معتمد سایر گروه‌ها دارند یک سوال پژوهشی که بنظر می‌رسد هنوز پاسخی به آن داده نشده است (حساس یگانه و آذین‌فر، ۱۳۹۲). با توجه به معیارهای ارزیابی سازمان بورس و اوراق بهادار، می‌توان پیش بینی کرد که موسسات حسابرسی معتمد گروه "اول" باید منابع انسانی (کارکنان و شرکای حسابرسی) با تجربه و کافی، سیستم کنترل کیفیت مناسب، تعداد مشتریان زیاد و استقلال بیشتری داشته باشند. با توجه به یافته‌های پژوهش‌های قبلی، حسابرسانی که چنین خصوصیتی دارند به احتمال زیاد می‌توانند حسابرسی با کیفیتی داشته باشند (واعظ و دیگران، ۱۳۹۳). بنابراین با توجه به مطالب فوق پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که تاثیر انتخاب موسسات رتبه الف حسابرسی بر مدیریت سود و ارزش روز سهام شرکت چگونه است؟

ادبیات و پیشینه پژوهش رتبه‌بندی شرکتهای حسابرسی

طبقه بندی موسسات حسابرسی توسط یک واحد نظارت به عنوان واحد کنترل کیفیت در جامعه حسابداران رسمی و یا واحد کیفیت بورس اوراق بهادار می باشد، که طبق دستورالعمل ماده ۱۰ سازمان بورس و اوراق بهادار موسسات معتمد بورس را به چهار طبقه تقسیم بندی کرده است.

در ایران موضوع رتبه بندی موسسات حسابرسی از سال ۱۳۸۳ مطرح گردید. اساس ارائه این بحث این چنین بود که موسسه های حسابرسی فعال در ایران در اجرای کنترل کیفیت مربوط به خدمات حسابرسی بطور یکسان عمل نمی کنند، و طرح متمایز کردن موسسات حسابرسی بزرگ و کوچک را مطرح شد. در ادامه افزودند که حسابرسی شرکت های بزرگی بوسیله به موسسات حسابرسی با حجم فعالیت و تعداد کارکنان بیشتر و در واقع موسسات حسابرسی بزرگتر واگذار گردد. پس از برگزاری جلسات متعدد در این خصوص، گزارش مکتوبی به سرپرست وقت شورای عالی جامعه حسابداران ارائه گردید. در این خصوص تحقیقاتی در رابطه با موسسات حسابرسی بزرگ دنیا و بورس آمریکا و سازمان نظارت بر شرکت های عمومی انجام گردید که نتیجه آن عدم رتبه بندی موسسات حسابرسی از سوی بورس و رتبه بندی بر اساس کنترل کیفیت اعلام گردید. رتبه بندی موسسات حسابرسی از سوی خبرنامه بین المللی حسابرسی و یا وب سایت های معتبر بین المللی حسابداری انجام می گیرد. همچون رتبه بندی که در سال ۲۰۰۹ به وسیله خبرنامه بین المللی حسابداری اعلام شد و در آن موسسات حسابرسی فعال در کشور انگلستان از لحاظ میزان درآمد در آن سال رتبه بندی شد (دوانی و امانی، ۱۳۸۵).

علاوه بر رتبه بندی بر اساس درآمد، مجلات، بولتن ها و سایر مراکز معتبر رتبه بندی، رتبه بندی موسسات حسابرسی و سایر نهادها بر طبق سایر مواردی همچون تعداد اعضا، دانشجویان شاغل در موسسات حسابرسی و در دیگر نهادها تعداد اعضای انجمن های حرفه ای جهان و شاغل در انجمن حسابداران کشورهای مختلف و سایر موارد این چنینی را انجام می دهند و تنها محدود به رتبه بندی موسسات حسابرسی نمی باشند (دوانی و امانی، ۱۳۸۵).

برخی از حسابرسان معتقدند چنانچه در آمد موسسات حسابرسی، معیار رتبه بندی قرار گیرد، ممکن است صاحبکاران نسبت به انتخاب حسابرسانی اقدام کنند که کار با کیفیت ارائه نمایند، در پاسخ به این دسته از حسابرسان باید گفت که نمی توان اراده و حق صاحبکار را برای انتخاب حسابرس نقض کرد. به نظر نمی رسد که همه صاحبکاران به دنبال این اندیشه باشند که حسابرسان بدون کیفیت انتخاب کنند مگر اینکه کسانی باشند که چون صرف خود را با کیفیت می دانند عدم انتخاب خود را مستمسک این موضوع قرار دهند. در واقع حسابرسان نیز شبیه به همه خدمات و کالاهای دیگر چنانچه کیفیت و برتری خاصی داشته باشند حتما و الزاما مورد توجه عده ای از مشتریان قرار خواهند گرفت و به مصداق "گل آن است که دیگران بگویند" بازار سرمایه و بازار حسابرسی، نهایتاً به موسسات با کیفیت خوب روی خواهد آورد (دوانی، ۱۳۸۵).

عامل رتبه بندی موسسات حسابرسی در ایران موجب ایجاد تفاوت فاحش در عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی نسبت به کشورهای دیگر شده است. زیرا رتبه بندی موسسات حسابرسی در ایران به عواملی همچون ارزیابی شرکا، ارزیابی کارکنان موسسه حسابرسی، ارزیابی ساختار و سازمان موسسه، ارزیابی تنوع ارائه خدمات و موقعیت موسسات حسابرسی در بازار حرفه ای و نهایتاً ارزیابی کیفیت خدمات است. این در حالی است که موسسات حسابرسی در سایر کشورها برای ارائه خدمات حسابرسی به شرکت های بزرگ بوسیله از سوی نهادهایی همچون حسابداران رسمی و بورس و اوراق بهادار رتبه بندی نمی شوند. رتبه بندی موسسات حسابرسی در خارج از ایران از سوی نشریه ها، مجلات و بولتن های معتبر

حسابداری و مالی صورت می گیرد که موسسات حسابرسی را بر اساس درآمدهای اعلام شده از سوی ایشان در طی یک سال رتبه بندی می نمایند (مهربان پور و بطهائی پور، ۱۳۹۳).

مدیریت سود

رسوایی اخیر در انرون و ورلدکام^۵ و شرکت های دیگر این احساس عمومی را در جامعه ایجاد کرد که مدیریت سود اعمال شده توسط مدیران شرکت ها در اکثر مواقع به صورت فرصت طلبانه است، تا بتوانند از این نوع مدیریت سود حداکثر منفعت شخصی را ببرند و کمتر به منافع سهامداران توجه دارند. با قوت گرفتن این ذهنیت در جامعه که در اکثر مواقع مدیریت سود منفی صورت می گیرد، اخیراً قانون گذاران در تعدادی از قوانین مدیریتی برای مقابله با مدیریت سود فرصت طلبانه تجدید نظر کرده اند و مثلاً قانونی وضع کرده اند که اعضای مشخص هیئت مدیره شرکت ها، بایستی مهارت مالی داشته باشند. در عین حال، تعدادی از محققان با مطالعات علمی که انجام داده اند، ادعا دارند که مدیریت سود ممکن بصورت کارآمد (سودمندانه) باشد. زیرا آن ها بطور بالقوه اطلاعات سودمند راجع به سود را افزایش می دهند (جیرپورن و دیگران، ۲۰۰۸). جونز و مارشال^۶ (۲۰۰۱) تعریف جامعی در خصوص مدیریت سود ارائه نموده اند. به عقیده آن ها مدیریت سود (دست کاری سود) زمانی اتفاق می افتد که مدیران با استفاده از قضاوت (تشخیص) در گزارشگری مالی و ساختار مبادلات جهت گمراه نمودن بعضی از ذینفعان (شامل سهامداران، اعتباردهندگان، کارکنان، دولت، سرمایه گذاران و ...) درباره عملکرد اقتصادی شرکت با تحت تأثیر قراردادن نتایج قراردادی که به ارقام حسابداری گزارش شده وابسته است، در گزارشگری مالی تغییر ایجاد می کنند.

پیشینه پژوهش

صلاحی (۱۳۹۵) به بررسی رابطه ی بین رتبه موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار و حق الزحمه حسابرسی پرداختند. یکی از موضوعات مهم و مورد توجه در زمینه حسابرسی و اعتبار بخشی به صورت های مالی، بحث کیفیت کار حسابرسی و به دنبال آن تعیین حق الزحمه حسابرسان است. سازمان بورس و اوراق بهادار موسسات حسابرسی معتمد را به چهار طبقه "اول"، "دوم"، "سوم" و "چهارم" رتبه بندی کرده است و این رتبه بندی موسسات حسابرسی بیانگر آن است که کیفیت کار موسسات طبقه "اول" نسبت به سایر طبقات بالاتر است. با این وجود پژوهش های قبلی انجام شده در زمینه کیفیت کار حسابرسان بر مبنای این رتبه بندی بیان گر آن است که کیفیت کار حسابرسان طبقه "اول" بالاتر از سایر طبقات نیست.

کاهکش و اسدنیا (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر رتبه بندی موسسات حسابرسی توسط سازمان بورس بر حق الزحمه حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند.

ترشیزی و دیگران (۱۳۹۵) به بررسی رتبه بندی موسسات حسابرسی و اثرات آن پرداختند. حسابرسان مستقل اعتبار صورتهای مالی را افزایش میدهند و تضاد منافع بین مدیران و سهامداران را کاهش میدهد. به طور معمول کیفیت حسابرسی متناسب با اندازه ی شرکت حسابرسی در نظر گرفته می شود. شرکت های حسابرسی بزرگ باید از درجه استقلال بالاتری برخوردار باشند و هم چنین دارای تخصص و منابع کافی باشند که بتوانند کیفیت بالاتری از خدمات حسابرسی ارائه نمایند. در این پژوهش مروری بر تحقیقات انجام شده پیرامون تأثیر اندازه حسابرسان بر کیفیت و استقلال حسابرسان انجام شده است. همچنین تحقیقات انجام شده پیرامون ادغام موسسات حسابرسی و مزایای ادغام مورد بررسی

⁵ Enron & Worldcom

⁶ Jones & Marshal

قرار گرفته اند. نتایج تحقیقات بیانگر این بود که موسسات حسابرسی بزرگ کیفیت حسابرسی صورت های مالی را افزایش می دهند و ادغام موسسات حسابرسی مزایایی مانند قدرت تمرکز بالا، افزایش کارایی و کاهش هزینه ها را در پی دارد.

رضایی (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین رتبه موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار و کیفیت حسابرسی پرداخت. در این پژوهش اقلام تعهدی اختیاری اندازه گیری شده براساس مدل های کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)، دیچو و دیچف (۲۰۰۲) و بال و شیواکومار (۲۰۰۶) به عنوان معیارهای کیفیت حسابرسی بکار برده شده اند. نتایج حاصل از برآورد رگرسیون خطی چندگانه نشان می دهد که سطح قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری صاحبکاران موسسات خصوصی معتمد طبقه "اول" کمتر از سطح قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری صاحبکاران موسسات معتمد سایر طبقات نیست. به عبارت دیگر کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی خصوصی معتمد طبقه "اول" بالاتر از کیفیت حسابرسی موسسات معتمد سایر طبقات نیست. نتایج این پژوهش با انجام چندین آزمون حساسیت پشتیبانی شده است.

چن و همکاران (۲۰۱۵) رابطه بین اندازه حسابرسی و مدیریت سود در چین را بررسی کرده اند. نتایج نشان می دهد که مدیریت سود برای مشتریان هشت موسسه حسابرسی بزرگ چین کمتر است.

لی و لاینگ (۲۰۱۵) به بررسی رابطه دوره تصدی حسابرسی و رتبه حسابرسی با کیفیت حسابرسی پرداختند. به عبارت دیگر در این پژوهش سعی شده است به این سوال پاسخ داده شود که آیا طول دوره تصدی و رتبه بندی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی تاثیر می گذارد؟ تنها متغیر موثر بر متغیر کیفیت حسابرسی متغیر کنترلی اظهار نظر سال قبل می باشد می توان چنین نتیجه گرفت که شرکتها در عملکرد مالی و رعایت استاندارد یک ثبات رویه برخوردار هستند.

کین لای و دیگران^۷ (۲۰۰۸) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که شرکت هایی که تحت حسابرسی مؤسسات بزرگ حسابرسی شده اند اقلام تعهدی کمتری نسبت به بقیه شرکتها نشان می دهند و این به خاطر شناخته شده تر بودن و معتبر بودن نام تجاری آن است.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: انتخاب موسسات رتبه الف حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی تاثیر دارد.
فرضیه دوم: انتخاب موسسات رتبه الف حسابرسی بر ارزش روز سهام شرکت تاثیر دارد.

مدلهای رگرسیونی برای فرضیه های پژوهش

مدل اول:

$$EMA_{it} = \beta_0 + \beta_1 Rating_{it} + \beta_2 size_{it} + \beta_3 lev_{it} + \beta_4 Roa_{it} + \beta_5 Inst_{it} + \beta_5 Grow_{it} + U_{it}$$

مدل دوم:

$$MB_{it} = \beta_0 + \beta_1 Rating_{it} + \beta_2 size_{it} + \beta_3 lev_{it} + \beta_4 Roa_{it} + \beta_5 Inst_{it} + \beta_5 Grow_{it} + U_{it}$$

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش
متغیرهای وابسته

(۱) مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی (EMA)

⁷ Kin Lo et al

در این پژوهش همانند پژوهش رحمانی و رامشه (۱۳۹۲)، ارقام تعهدی اختیاری، به منزله شاخص مدیریت سود ارقام تعهدی به کار رفته است. سطح عادی ارقام تعهدی کل بر اساس مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) و بر اساس رابطه زیر به دست می‌آید:

$$\frac{Accruals_{it}}{A_{i,t-1}} = \frac{TA_{it}}{A_{i,t-1}} = \alpha_0 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_1 \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

که در آن:

$Accruals_{it}$: سود قبل از کسر بهره و مالیات منهای جریان نقد عملیاتی در سال t

$A_{i,t-1}$: جمع دارایی های شرکت شرکت i در سال $t-1$

ΔREV_{it} : تغییرات درآمد فروش شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$

PPE_{it} : مبلغ ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت

رابطه فوق با استفاده از داده‌های ترکیبی برآورد می‌شود و از باقی مانده برآورده شده مدل قدرمطلق گرفته به عنوان مدیریت سود در نظر گرفته شده است.

۲) ارزش روز سهام شرکت (VS)

از لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام اندازه گیری شده است. که ارزش بازار حقوق صاحبان سهام نیز از طریق تعداد سهام منتشره ضربدر قیمت پایانی سهام یدست آمده است.

متغیر مستقل: رتبه شرکت‌های حسابرسی (Rating)

طبقه بندی موسسات حسابرسی توسط یک واحد نظارت به عنوان واحد کنترل کیفیت در جامعه حسابداران رسمی و یا واحد کیفیت بورس اوراق بهادار می باشد، که طبق دستورالعمل ماده ۱۰ سازمان بورس و اوراق بهادار موسسات معتمد بورس را به چهار طبقه تقسیم بندی کرده است.

رتبه بندی شرکت‌های حسابرسی یک متغیر ساختگی است بطوریکه اگر حسابرس جزو ۱۹ موسسه حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار (متعلق به طبقه "اول") باشد مساوی یک، و برای سایر موسسات حسابرسی معتمد عدد صفر خواهد گرفت.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (SIZE): در این تحقیق از طریق لگاریتم طبیعی مجموع دارایی های شرکت محاسبه شده است.

اهرم مالی (Lev): اهرم عبارت است از وجود هزینه های ثابت در فهرست هزینه های شرکت می باشد. منظور از اهرم مالی میزان بدهی های شرکتها است. هر اندازه درجه اهرم مالی بزرگتر باشد، درجه ریسک مالی بیشتر می شود مدیران شرکتها به دلیل مزایای تامین مالی از طریق بدهی، تمایل دارند از این طریق نیازهای مالی شرکت را تامین کنند، اما تامین مالی از طریق بدهی، هزینه بهره را در پی دارد و این موضوع باعث خواهد شد که شرکتها بخشی از درآمدهای خود را در سال های آینده صرف پرداخت هزینه های تامین مالی کنند. در نتیجه، سودآوری آینده آنها کاهش خواهد یافت. تحقیقات نشان می دهد که ریسک نیز می تواند از عوامل موثر باشد. در این تحقیق، از نسبت کل بدهی به کل دارایی به عنوان شاخص اهرم مالی استفاده می شود.

رشد فروش (Grow): از طریق میانگین رشد فروش در طی سه سال قبل از دوره مورد سال t به دست می‌آید.

بازده دارایی‌ها (ROA): از طریق نسبت سود عملیاتی به دارایی‌های اول دوره شرکت محاسبه می‌شود.

سرمایه گذاران نهادی (Inst): سهامداران نهادی بخاطر توانایی‌های فنی و مالی، منابع قابل ملاحظه‌ای را برای کنترل شرکت تخصیص می‌دهند و از نظرات کارشناسان خبره مالی برای اداره شرکت استفاده می‌کنند. بوش (۱۹۹۸) نشان می‌دهد که مالکیت نهادی یکی از سازوکارهای کنترل بیرونی موثر بر حاکمیت شرکتی است. سرمایه گذاران نهادی، سرمایه گذاران بزرگ نظیر بانکها، شرکتهای بیمه، شرکتهای سرمایه‌گذاری و .. هستند که از طریق جمع‌آوری اطلاعات و ارزیابی تصمیمات مدیریت بطور ضمنی و از طریق اداره نحوه عمل شرکت به طور صریح، بر شرکت نظارت می‌کنند. مگ (۱۹۹۸) نشان داد که نظارت بر شرکت توسط سرمایه گذاران نهادی می‌تواند مدیران را وادار به تاکید بیشتر بر عملکرد شرکت و کاهش رفتار فرصت طلبانه یا خویشتن طلبانه کند. طبق بند ۲۷ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار ایران سرمایه‌گذاران نهادی عبارتند از: بانکها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکتهای سرمایه‌گذاری، صندوق بازنشستگی، شرکت تامین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ثبت شده نزد سازمان بورس اوراق بهادار. نحوه محاسبه آن، درصد سهام نگهداری شده بوسیله سهامداران نهادی می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از لحاظ روش همبستگی و از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد. از جهت نوع طرح تحقیق، تحقیق حاضر از نوع تحقیقات پس رویدادی است. در این نوع تحقیق‌ها، هدف بررسی روابط موجود بین متغیرها است و داده‌ها از محیطی که به گونه‌ای طبیعی وجود داشته‌اند و یا از وقایع گذشته که بدون دخالت مستقیم پژوهش‌گر رخ داده است، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شود. در این تحقیق برای آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. به منظور تحلیل داده‌های بدست آمده از روشهای آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. بدین ترتیب که برای توصیف داده‌ها از جدول توزیع فراوانی و در سطح استنباطی برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمونهای اف لیمر، هاسمن استفاده می‌شود.

برای اجرای هر پژوهش لازم است جامعه آماری مشخص و معین شود. برای انتخاب جامعه آماری به کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رجوع شده است چون اطلاعات شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران توسط حسابداران رسمی، حسابرسی می‌شود، لذا نسبت به اطلاعات سایر شرکتهای از قابلیت اتکاء بالاتری برخوردار است و دسترسی به این اطلاعات نسبت به سایر شرکتهای راحت‌تر است. بنابراین، جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش، کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و دوره مورد بررسی نیز سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ می‌باشد و شرکتهایی که دارای ویژگی‌های زیر بوده، به عنوان نمونه انتخاب شده اند:

- به دلیل افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکتهای منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 - شرکتهای مورد نظر جزو بانکها و واسطه‌گری مالی، لیزینگ، هلدینگ و سرمایه‌گذاری به علت ماهیت و نوع فعالیت این گروه از شرکتهای متفاوت است، نباشند.
 - شرکتهای نیابستی سال مالی خود را در طی دوره‌های مورد نظر تغییر داده باشد.
 - اطلاعات مالی شرکتهای مورد بررسی به منظور استخراج داده‌های مورد نیاز در دسترس باشد.
 - شرکتهای مورد بررسی در بازه زمانی پژوهش از بورس خارج نشده باشد.
- در این پژوهش با اعمال محدودیتهای فوق ۱۲۱ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

یافته‌های پژوهش

جدول (۱)، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	تعداد	میانگین	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی	EMA	۸۴۷	۰,۱۳۵	۰,۶۳۳	۰,۰۰۰۲	۰,۰۹۶
ارزش روز سهام شرکت	VS	۸۴۷	۱۴,۳۹۲	۱۸,۵۲۹	۱۲,۰۸۳	۱,۴۹۱
اندازه شرکت	Size	۸۴۷	۱۴,۶۰۸	۱۹,۷۷۳	۱۱,۰۷۸	۱,۵۶۲
اهرم مالی	Lev	۸۴۷	۰,۵۷۵	۱,۱۲۹	۰,۰۶	۰,۱۸۲
رشد فروش	Grow	۸۴۷	۰,۲۱۷	۴,۰۳۲	-۰,۴۸	۰,۲۹۷
بازده دارایی‌ها	Roa	۸۴۷	۰,۱۳۱	۰,۶۳۹	-۰,۱۲۲	۰,۱۵۴
سرمایه‌گذاران نهادی	Inst	۸۴۷	۰,۷۳۲	۰,۹۴	۰,۱۱	۰,۱۸۲

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی برابر با (۰,۱۳۵) می‌باشد و برای بازده دارایی‌ها برابر با ۰,۱۳ می‌باشد. به‌طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای اندازه شرکت برابر با ۱,۵۶۲ و برای مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی برابر است با ۰,۰۹۶ می‌باشد که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین انحراف معیار هستند. کمینه و بیشینه نیز کمترین و بیشترین را در هر متغیر نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال بزرگ‌ترین مقدار اهرم مالی برابر با ۱,۱۲۹ است. رتبه بندی موسسات حسابرسی یک متغیر کیفی می‌باشد که جدول توزیع فراوانی این متغیر در جدول ۲ ارائه می‌شود

جدول ۲: توزیع فراوانی متغیر رتبه بندی موسسات حسابرسی

عنوان	فراوانی	درصد فراوانی
شرکت‌های حسابرسی شده توسط مؤسسات رتبه الف	۶۳۴	۷۴,۸۵
شرکت‌های حسابرسی شده توسط سایر مؤسسات حسابرسی	۲۱۳	۲۵,۱۵
جمع	۸۴۷	۱۰۰

همانطور که طبق جدول ۲ قابل مشاهده است از ۸۴۷ شرکت-سال، صورتهای مالی تعداد ۶۳۴ شرکت-سال توسط مؤسسات رتبه الف حسابرسی شده است.

آزمون مانایی متغیرها

مطابق ادبیات اقتصادسنجی لازم است قبل از برآورد مدل، مانایی متغیرها بررسی گردد. برای بررسی وجود ریشه واحد در داده‌های پانل، می‌توان از آزمون لوین لین و چو استفاده کرد که نتایج آن به‌صورت جدول ۳ عرضه می‌گردد.

جدول ۳: آزمون مانایی (لوین، لین و چو) برای تمامی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
مدیریت سود تعهدی	EMA	-۱۶,۳۵۶	۰,۰۰۰۰	مانا است
ارزش روز سهام شرکت	VS	-۱۲,۳۶۲	۰,۰۰۰۰	مانا است
اندازه شرکت	Size	-۱۳,۰۳۶	۰,۰۰۰۰	مانا است

مانا است	۰,۰۰۰۰	-۱۶,۳۵۴	Lev	اهرم مالی
مانا است	۰,۰۰۰۰	-۱۱,۰۲۱	Grow	رشد فروش
مانا است	۰,۰۰۰۰	-۱۴,۳۶۵	Roa	بازده دارایی ها
مانا است	۰,۰۰۰۰	-۱۹,۵۴۶	Inst	سرمایه گذاران نهادی

با توجه به جدول ۳ مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری متغیرها در آزمون مانایی همه متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر مانا بودن متغیرها است.

آزمون اف لیمر (چاو)

این آزمون برای تشخیص بین الگوهای اثرات معمولی (pool) و داده‌های تابلویی (panel) صورت می‌گیرد. نتایج حاصل از آزمون اف لیمر برای مدل پژوهش بدین شرح می‌باشد:

جدول ۴: نتایج آزمون اف لیمر (چاو)

نتیجه آزمون	سطح معنی‌داری	آماره آزمون	مدل آزمون
پذیرش الگوی داده‌های تابلویی	۰,۰۰۰۰	۸,۳۱۴	فرضیه اول
پذیرش الگوی داده‌های تابلویی	۰,۰۰۰۰	۷,۶۰۲	فرضیه دوم

نتایج حاصل در جدول ۴ نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون برای هر دو مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر پذیرش الگوی داده‌های تابلویی (پانل) می‌باشد.

آزمون هاسمن

در صورتی که میزان معناداری آماره‌ی چاو (prob) کمتر از سطح ۰,۰۵ باشد ساختار داده‌ای panel انتخاب می‌شود. در این حالت برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی باید آزمون هاسمن نیز انجام شود.

جدول ۵: نتایج آزمون هاسمن

نتیجه آزمون	سطح معنی‌داری	آماره آزمون	مدل آزمون
اثرات ثابت عرض از مبدأ	۰,۰۰۰۰	۱۸,۴۱۲	فرضیه اول
اثرات ثابت عرض از مبدأ	۰,۰۰۰۰	۱۷,۸۶۲	فرضیه دوم

نتایج حاصل در جدول ۵ نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون در مدلها کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر پذیرش اثرات ثابت می‌باشد.

آزمون ناهمسانی واریانس

اگر خطاهای رگرسیون ناهمسان باشند اما محقق بدون در نظر گرفتن این موضوع به فرایند برآورد و استنباط ادامه دهد در این حالت، انحراف معیار می‌تواند اشتباه باشد و بنابراین هرگونه استنباطی که صورت گرفته، می‌تواند گمراه‌کننده باشد بنابراین از آزمون والد تعدیل شده برای بررسی ناهمسانی واریانس جملات اخلاص استفاده شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

نتیجه آزمون	سطح معنی‌داری	آماره آزمون	مدل آزمون
ناهمسانی واریانس وجود دارد	۰,۰۰۰۰	۵۲۵۶۴,۴۱	فرضیه اول
ناهمسانی واریانس وجود دارد	۰,۰۰۰۰	۶۲۴۳۵,۶۹	فرضیه دوم

نتایج حاصل در جدول ۶ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری آزمون در مدل‌ها کمتر از ۵ درصد می‌باشد و بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلال می‌باشد که این مشکل در تخمین نهایی مدل با اجرای دستور gls رفع شده است.

نتیجه آزمون فرضیه اول پژوهش

فرضیه اول پژوهش بیان می‌دارد: رتبه بندی موسسات حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی تاثیر دارد.

جدول ۷: نتیجه آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی						
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	هم خطی
رتبه بندی موسسات حسابرسی	Rating _{it}	-۰,۱۰۵	۰,۰۵۳	-۱,۹۸	۰,۰۴۸	۱,۱۵
اندازه شرکت	size _{it}	۰,۰۹۱	۰,۰۱۱	۸,۰۳۳	۰,۰۰۰	۱,۲۲
اهرم مالی	lev _{it}	-۰,۰۶۹	۰,۰۳۹	-۱,۷۷۸	۰,۰۷۵	۱,۳۱
رشد فروش	Grow _{it}	-۰,۰۴	۰,۰۱۴	-۲,۷۹۷	۰,۰۰۵	۱,۱۴
بازده دارایی‌ها	Roa _{it}	-۰,۱۲	۰,۰۱۳	-۹,۱	۰,۰۰۰	۱,۷۰
سرمایه گذاران نهادی	Inst _{it}	-۰,۰۴۱	۰,۰۰۹	-۴,۱۹۱	۰,۰۰۰	۱,۰۹
C		-۰,۱۴۱	۰,۱۳۷	-۱,۰۳۴	۰,۳۰۱	---
ضریب تعیین				۳۷ درصد		
آماره والد				۱۵۶,۵۵		
سطح معناداری				۰,۰۰۰۰		
آزمون خود همبستگی سریالی				۰,۲۵۶۱		

با توجه به جدول ۷، مشاهده می‌شود که متغیر رتبه بندی موسسات حسابرسی دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از پنج درصد می‌باشد بنابراین می‌توان گفت رتبه بندی موسسات حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی تعهدی تاثیر معکوس دارد و فرضیه اول پژوهش پذیرفته می‌شود. متغیر کنترلی اندازه شرکت دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد و ضریب منفی می‌باشد بنابراین تأثیر معکوس با متغیر وابسته دارد. متغیرهای کنترلی سرمایه گذاران نهادی، رشد فروش و بازده دارایی‌ها دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد بوده و ضریب آنها عددی مثبت می‌باشد بنابراین تأثیر مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارند. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۳۷ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۳۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۱۵۶,۵۵ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. مقدار سطح معناداری آزمون خودهمبستگی سریالی بیشتر از ۵ درصد (۰,۲۵۶۱) است که نشان می‌دهد بین خطاهای مدل همبستگی وجود ندارد.

نتیجه آزمون فرضیه دوم پژوهش

فرضیه دوم پژوهش بیان می‌دارد: رتبه بندی موسسات حسابرسی بر ارزش روز سهام شرکت تاثیر دارد.

جدول ۸: نتیجه آزمون فرضیه دوم

متغیر وابسته: ارزش روز سهام شرکت						
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	هم خطی
رتبه بندی موسسات حسابرسی	Rating _{it}	۰,۰۲۱	۰,۰۲۲	۰,۹۳۸	۰,۳۴۸	۱,۱۵
اندازه شرکت	size _{it}	-۰,۰۱۱	۰,۰۱۹	-۰,۵۷۲	۰,۵۶۷	۱,۲۲
اهرم مالی	lev _{it}	-۰,۳۲۲	۰,۰۸۸	-۳,۶۵۹	۰,۰۰۰	۱,۳۱
رشد فروش	Grow _{it}	۰,۱۴۷	۰,۰۲۴	۶,۰۹۶	۰,۰۰۰	۱,۱۴
بازده دارایی ها	Roa _{it}	۱,۴۳۷	۰,۴۹۲	۲,۹۱۷	۰,۰۰۳	۱,۷۰
سرمایه گذاران نهادی	Inst _{it}	۱,۰۹۹	۰,۳۸	۲,۸۸۲	۰,۰۰۴	۱,۰۹
C		۲,۴۴۷	۰,۳۵۳	۶,۹۲۶	۰,۰۰۰	-----
ضریب تعیین				۳۲ درصد		
آماره والد				۱۱۷,۶۲		
سطح معناداری				۰,۰۰۰۰		
آزمون خود همبستگی سریالی				۰,۲۱۳۶		

با توجه به جدول ۸، مشاهده می‌شود که متغیر رتبه بندی موسسات حسابرسی دارای سطح معناداری بیشتر از پنج درصد می‌باشد بنابراین می‌توان گفت رتبه بندی موسسات حسابرسی بر ارزش روز سهام شرکت تاثیر ندارد و فرضیه دوم پژوهش پذیرفته نمی‌شود. متغیر کنترلی اندازه شرکت دارای سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد می‌باشد بنابراین بر متغیر وابسته تاثیر ندارد. متغیر کنترلی اهرم مالی دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد و ضریب منفی می‌باشد بنابراین تأثیر معکوس با متغیر وابسته دارد. متغیرهای کنترلی سرمایه گذاران نهادی، رشد فروش و بازده دارایی ها دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد بوده و ضریب آنها عددی مثبت می‌باشد بنابراین تأثیر مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارند. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۳۲ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۳۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۱۱۷,۶۲ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. مقدار سطح معناداری آزمون خودهمبستگی سریالی بیشتر از ۵ درصد (۰,۲۱۳۶) است که نشان می‌دهد بین خطاهای مدل همبستگی وجود ندارد.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش به بررسی تاثیر انتخاب موسسات رتبه الف حسابرسی بر مدیریت سود و ارزش روز سهام شرکت پرداخته شد. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود که تعداد ۱۲۱ شرکت و در بازه زمانی ۷ ساله بین سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ مورد تحقیق قرار گرفتند. یک فرضیه در این پژوهش مطرح گردید که پس از بررسی و آزمون‌های مربوط به فرضیه مشخص گردید که رتبه بندی موسسات حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی تاثیر دارد و این تاثیر معکوس و معنادار است. یعنی در شرکتهای عضو نمونه اگر حسابرسی صورت های مالی توسط موسسات رتبه الف انجام پذیرد منجر به کاهش مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی می‌شود. با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر با استفاده از سایر مدل های اندازه‌گیری مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی انجام شده و نتایج مقایسه گردد و همچنین می‌توان پژوهش حاضر را در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت انجام داده و با نتایج این پژوهش مقایسه کرد و نیز انجام پژوهش حاضر در صنایع مختلف و مقایسه نتایج پژوهش. با توجه به نتایج حاصل از فرضیه پژوهش به شرکت ها توصیه می‌شود برای انجام حسابرسی صورت های مالی با موسسات رتبه الف

قرارداد ببندند. با توجه به نتایج حاصل از فرضیه دوم مشخص گردید که رتبه بندی موسسات حسابرسی تاثیر معناداری بر ارزش روز سهام شرکت ندارد یعنی سرمایه گذاران و سهامداران برای سرمایه گذاری و خرید سهام توجهی به موسسه حسابرسی طرف قرارداد شرکت ندارند و این مساله رو ملاک معامله خود قرار نمی دهند.

منابع

- ✓ امانی، علی، دوانی، غلامحسین، (۱۳۸۹)، فساد، تقلب، پولشویی و وظیفه‌ی حسابرسان، فصلنامه‌ی حسابداری رسمی، شماره ۱۲.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، آذین فر، کاوه، (۱۳۹۸)، رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۱، صص ۸۳-۹۶.
- ✓ کاهکش، علی محمد، اسدنیاء، جهانبخش، (۱۳۹۵)، تاثیر رتبه بندی موسسات حسابرسی توسط سازمان بورس بر حق الزحمه حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، سومین کنفرانس بین المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی.
- ✓ مهربان پور، محمدرضا، بطهای پور، سید علی اکبر، (۱۳۹۳)، تاثیر کیفیت و رتبه بندی موسسات حسابرسی بر انتخاب حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین کنفرانس ملی اقتصاد، مدیریت و حسابداری، تهران، ۱۳۹۳/۱۱/۳۰، ایران.
- ✓ محمدرضائی، فخرالدین، محمدرضائی، مهدی، (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین رتبه موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار و کیفیت حسابرسی، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۴، صص ۱-۱۴.
- ✓ واعظ، سیدعلی، احمدی، وریا، (۱۳۹۳)، تأثیر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و تعداد بند اظهارنظر حسابرسی بر تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی، حسابرسی نظریه و عمل، شماره ۲۱، صص ۱-۲۱.
- ✓ Arya, A., Glover, J., & Sunder, S. (2003). Are unmanaged earnings always better for shareholders? *Accounting Horizons (Supplement)*, 17, 111-116.
- ✓ Ball, R. Shivakumar, L. (2006). The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition. *Journal of Accounting Research*, 44 (2) , 207-242.
- ✓ Bushee, B. J(1998). “The Influence of Institutional Investors on Myopic R&D Investment Behavior“, *Accounting Review*, 73: 305-334.
- ✓ Chen, A.; Peng, N., & Hung, K. (2015). Managing salespeople strategically when promoting new products—Incorporating market orientation into a sales management control framework. *Industrial Marketing Management*, Volume 47, pp.147–155.
- ✓ Chen, T., J. Harford, and C. Lin. (2015). Do analysts matter for governance? Evidence from natural experiments. *Journal of Financial Economics* 115: 383–410.
- ✓ DeAngelo, L. (1981), “Auditor Size and Audit Quality”, *Journal of Accounting and Economics*, 3, PP. 297–322.
- ✓ Dechow, P. and Dichev, I. (2002). The Quality of Accruals and Earnings, the Role of Accruals in Estimation Errors. *The Accounting Review*, 77, 35-59.
- ✓ Ghosh, D., & Olsen, L. (2009). Environmental uncertainty and managers' use of discretionary accruals. *Accounting, Organizations and Society*, 34 (2), 188-205.
- ✓ Jones, Steward, and Rohit Sharma.(2001). “The Impact of Free Cash Flow, Financial Leverage and Accounting Regulation on Earnings Management in Australia’s ‘Old’ and ‘New’ Economies”. *Managerial Finance* 27 (12):18-39.
- ✓ Kothari, S. P. , A. J. Leone, C. E. Wasley, (2005). Performance matched discretionary accruals measures. *Journal of accounting and economics*, 39, 163-197.

- ✓ Louis, H., & Robinson, D. (2005). Do managers credibly use accruals to signal private information? Evidence from the pricing of discretionary accruals around stock splits. *Journal of Accounting and Economics*, 39, 361-380.
- ✓ Maug, E.,)1998(. "Large shareholders as monitors: Is there a trade-off between liquidity and control?" *Journal of Finance* 53, 65-98.